



تجربه اجتماعی شدن و روانشناسی جنسیت

پسران قصه گو و دختران سخنگو

امیلیا رسیسیانس | نویسنده

هر انسانی قوانین مربوط به تعامل اجتماعی را در مقاطع مختلف از روند زندگی و در شرایط گوناگون فرامی گیرد. انسان با آگاهی از این قوانین و با بکارگیری آنها قادر به کنترل تعاملات اجتماعی خود با دیگران است، دیگری که نسبت به او موقعیت‌های گوناگونی دارند. ممکن است آنها پیرتر یا جوان‌تر یا از نظر اجتماعی مقام و منزلت کمتری یا بیشتری داشته باشند. این قوانین را نخستین بار ما به‌عنوان کودک در تعاملات خود با اولیا و مربیان فرامی‌گیریم و بعد در دوران نوجوانی آن را در تعامل خود با دوستان و همسالان، توسعه می‌دهیم. قوانین مربوط به تعامل با دوستان همان قوانینی است که ما به‌عنوان جوان از همسالان خود فرامی‌گیریم. این قوانین چیزی نیست که والدین در خانه به فرزندانشان بیاموزند به‌عبارتی دیگر، سن فراگیری تعاملات اجتماعی از ۵ تا ۱۵ سالگی است. همان سنی که عملاً هر کدام از جنس‌ها، عمده وقت خود را با همجنس خود می‌گذرانند (دختران با دختران و پسران با پسران) و از سوی روانشناسان این دوره تحت عنوان انسجام نقش‌های جنسی و از نظر انسان‌شناسان به دوره فراگیری فرهنگ ویژه و جنسیت معروف است. در این دوره اعضای هر گروه، آگاهانه رفتار خاص جنسی خود را تا افراطی‌ترین حد آن فرامی‌گیرند. هر دو جنس می‌دانند که رفتار دخترانه چگونه است و رفتار پسرانه چه مشخصاتی باید داشته باشد.

آنها فرهنگ ویژه جنسیتی را از همسالانشان فرامی‌گیرند. کودکان تمایل به توسعه الگوهای قالبی و الگوهای رفتاری بزرگترها را دارند. بکارگیری گونه‌های زبانی زنانه و مردانه نیز جزو الگوهای رفتاری محسوب می‌شود. هر کس که تجربه کارکردن با کودکان دبستانی را داشته است، می‌داند که رفتار، نحوه صحبت و بازی‌های دختران و پسران از یکدیگر متفاوت است. تفاوت‌های رفتاری در بازی کودکان

یکی از راه‌هایی که می‌تواند تفاوت‌های رفتاری بین زن و مرد را توجیه کند، مشاهده این تفاوت‌ها در سازمان اجتماعی بازی‌هاست که الگوهای تعامل اجتماعی خاص را از طرف هر دو جنس می‌طلبد.

در مورد تفاوت بازی‌ها در بین کودکان دبستانی، تحقیقی توسط لاور در سال ۱۹۷۲ صورت گرفت. او ویژگی‌ها را از بازی کودکان را به شرح زیر مشاهده کرد:

- ۱- دخترها بیشتر از پسرها در محیط‌های سر بسته و محیط خانه بازی می‌کنند.
- ۲- پسرها تمایل به بازی در گروه‌های بزرگ را دارند.
- ۳- گروه‌های بازی پسران را افرادی با سنین مختلف تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، دامنه سنی همبازی‌های پسران گسترده و وسیع است.
- ۴- دختران در بازی‌های همسرانه شرکت می‌کنند ولی عکس قضیه کمتر اتفاق می‌افتد.
- ۵- در بازی پسرها رقابت وجود دارد.
- ۶- بازی پسرها از نظر زمانی طولانی‌تر از بازی‌های دختران است.

دنیای دختران

دختران در گروه‌های کوچک بازی می‌کنند و اکثر مواقع بازی‌های دو نفره را ترجیح می‌دهند. اعضای گروه بازی همسن هستند. بازی‌های آنها در مکان‌های سر بسته و خصوصی مثل خانه صورت می‌گیرند. در مکانی که همبازی‌ها باید دعوت به بازی شوند، بازی‌ها جنبه همکاری و

تعاون دارد. فعالیت‌های مربوط به بازی به هیچ‌وجه جنبه رقابتی ندارد و کسی به‌خاطر داشتن قدرت از دیگران متمایز نمی‌شود. تفاوت‌ها با اثر نزدیکی و میزان دوستی است. در دوستی‌های آنها صمیمیت، برابری، تعهد دوجانبه و وفاداری به یکدیگر بسیار مهم است. دوست خوب جایگاه ویژه‌ای برای دختران دارد. رابطه دوستی با اعضای یک گروه جنبه انحصاری دارد. یک عده از دختران فقط با یکدیگر دوست هستند و صمیمیت دارند. هرم قدرت در دوستی دختران وجود ندارد و با یکدیگر بر اساس صمیمیت متحد می‌شوند و در مقام مخالفت با گروه دیگر درمی‌آیند. ساخت روابط اجتماعی دختران تضادمند نیست، به این معنی که دوستان با یکدیگر برابر هستند و همه باید نسبت به یکدیگر سازگاری داشته باشند، ولی اگر این سازش و تساهل صورت نگرفت، باید منتظر تضاد و کشمکش بود. دختران نمی‌توانند از قدرت اجتماعی خود برای حل مشکل و رفع تضاد استفاده کنند چون اصولاً چنین قدرتی وجود ندارد. تحقیقات نشان می‌دهد که دختران در این مواقع سعی نمی‌کنند تا مسأله را حل کنند و اکثر اوقات این دوستی‌ها به‌هم می‌خورد و جدایی پیش می‌آید. دختران یاد می‌گیرند که چگونه در شرایطی که همه با یکدیگر برابرند با بکارگیری زبان و گفتار از عهده حل مشکلات برآیند. اساساً دختران یاد می‌گیرند که با بکارگیری زبان این دو عمل را انجام دهند.

۱- خلق رابطه صمیمانه و برابر با یکدیگر دوستی در بین دختران بیشتر بر اساس کلام صورت می‌گیرد. دختران یاد می‌گیرند که حامی دوست خود باشند. در ضمن قوانین مربوط به صحبت کردن و حقوق مربوط به آن را فرامی‌گیرند. این حقوق عبارت است از رعایت نوبت صحبت، اجازه صحبت‌دادن به دیگران و قبول محتوای گفتاری دیگران که بر اساس آن روابط دوستی، صمیمیت و برابری شکل

می‌گیرد. آنها همچنین یاد می‌گیرند که باید با یکدیگر تعاون و همکاری داشته‌باشند. بکارگیری کلماتی که در آن ضمایر و افعال همکاری نهفته است مانند «پچه‌ها بیایند»، «ما باید» و «دخترها» نشانگر توان آنها در سازمان دادن کار گروهی است. همچنین دیده شده است که در گروه دختران اگر کسی پیشنهادی بدهد، دختران دیگر آن را قبول می‌کنند. آنها می‌دانند که با تبادل اطلاعات و اسرار می‌توانند روابط نزدیک خود را با دیگران حفظ کنند. تبادل افکار شخصی نه‌تنها بیانگر وجود رابطه صمیمانه بین دختران است بلکه جنبه ایجاد تعهد هم دارد. گزارش‌هایی مبنی بر رفتار دختران وجود دارد که می‌گوید:

۲- انتقاد و تفسیر رفتارها و گفتارها دختران گفتار و رفتار دختران دیگر را به نقد می‌کشند و مورد بحث قرار می‌دهند ولی انتقاد آنها اکثر اوقات همراه با گفتار و رفتار تاعراض آمیز نیست. روابط آنها با یکدیگر بر اساس روابط رئیس و مرئوس نیست چون پذیرفتن نقش ریاست باعث می‌شود تا رابطه برابری بین آنها مختل

شود. دختران بر خورد انتقادی با کسانی دارند که می‌خواهند در نقش رئیس ظاهر شوند و نقش ریاست از نظر آنها فقط هنگام مواجهه با خواهر و برادر کوچکتر است که کاربرد دارد. دختران یاد می‌گیرند که چگونه بدون آن که نقش ریاست داشته باشند، از عهده اداره کارها برآیند. هنگام منازعات عادی، خواست‌ها و اعتراضات خود را از طرف جمع مطرح می‌کنند و به آنها جنبه شخصی و فردی نمی‌دهند. بدجنسی هنگامی رخ می‌دهد که دختری علیه دختر دیگر بسنج شود یا این که قصد پایان دادن رابطه را داشته باشد.

کنار گذاشتن دیگری از جمع، یک رفتار عادی بین دختران است و یاد می‌گیرند که چگونه دختران دیگر را از جمع کنار بگذارند و در ضمن طوری رفتار کنند که انگار این عمل بر اساس اراده و تصمیم جمع بوده و نه بر اساس هوی و هوس شخصی. معمولاً کنار گذاشتن کسی، به‌بینه عدم هماهنگی او با هنجارهای گروه قلمداد می‌شود. روابط اجتماعی دختران بر اساس تضاد و انتقاد ممکن است متزلزل شود. دختران منبع و منشأ انتقاد را پنهان می‌کنند و معمولاً انتقادها را از جانب فرد دیگری یا شخص سوم مطرح می‌کنند. دخترها بر اساس آن که چه اطلاعاتی به آنها داده شده و این که چه اطلاعاتی از آنها دریغ شده، درجه صمیمیت دیگران با خود را می‌سنجند. از آنجایی که معیار سنجش صمیمیت دختران منوط به در میان گذاشتن اسرار پنهانی است، دختران با تفسیر این قضیه که محرم چه نوع اسراری هستند، تشخیص می‌دهند درجه صمیمیت یک دوست با او در چه حدی است و آیا این صمیمیت واقعی است یا خیر. آنها باید بدانند که چه کسی را محرم راز خود می‌کنند چه چیزی را به‌عنوان اسرار مطرح کنند و تا چه حدی با کسی پیش بروند. برای موقعیت اجتماعی، دانستن صحیح این روابط و قواعد بسیار ضروری است؛ اگر نگوئیم که

راز بقا در اجتماع وابسته به این اصول است. دنیای پسرها

بازی پسرها در گروه‌های بزرگتر و بر اساس هرم سلسله‌مراتبی انجام می‌گیرد. منزلت‌نسبی در این هرم سلسله‌مراتبی همیشه متغیر، مهم‌ترین دستاورد پسرها در تعاملاتشان با یکدیگر است. پسرهایی که منزلت غالب در گروه را ندارند به‌قدرت ممکن است به بازی گرفته نشوند ولی منزلت سخیف آنها در گروه به‌نحوی دیگر به آنها گوشزد می‌شود. از آنجایی که هرم سلسله‌مراتب بنابر شرایط و زمان همیشه در حال تغییر است، هر پسری این فرصت را دارد تا شانس خود را آزمایش کند و از این هرم صعود کند یا در بعضی مواقع سقوط کرده و شکست را بپذیرد. در دنیای پسران گفتار دارای ۳ نقش اساسی است (ساکس ۱۹۷۴).

۱- استفاده از گفتار برای بیان موضع غالب در گروه در اردوگاه پسران دیده‌شده که آنها با بکارگیری نحوه خاصی از گفتار قادر به نشان دادن تسلط خود در گروه هستند. این نوع گفتار را می‌توان در دسته زیر معرفی کرد.

- الف- دستور دادن به دیگران مثل «پاشو»، «اینو به من بده»، «تو برو اونجا» و...
- ب- دادن القاب مضحک به دیگران و مخاطب قرار دادن دیگران با این القاب از قبیل «کله‌پوک»، «خنگه»، «خیکی» و...
- ج- تهدیدهای شفافه‌ای با استفاده از جملاتی که نشانگر قدرت است مانند «اگه خفه‌شی خودم نر سیسیانس، انتشارات افکار

پنج گام نسنجیده برای تبدیل شدن به والدین خفاکار

و نوجوانشان مراقبت کنند که حتی یک‌پرویس کوچک سرماخوردگی هم نتواند او را ناراحت کند، اما دور نگهداشتن فرزندان از واقعیت‌های زندگی، فرصت‌های ارزشمند یادگیری را از او می‌گیرد و هنگامی که وارد جامعه واقعی می‌شود، بیشتر آسیب‌پذیر خواهد بود چون دیگر نمی‌داند چگونه به‌تنهایی گلیم خود را از آب بیرون بکشد اگر چه‌شما همیشه برای راهنمایی و کمک در کنار او هستید اما اجازه دهید فرزندان با علم به این که هوای او را در بد، خودش جلو بروند و زندگی را تجربه کند و یاد بگیرد. شما نباید نقش یک مأمور امنیتی یا یادبگارد ۲۴ ساعته ایفا کنید.

گام‌اشتباه چهارم: بن‌بذیری و واکنش سریع فاجعه‌است

اگر شک کرده‌اید که فرزندان معناد شده یا یکی دوبار است که مواد اعتیاد آور مصرف کرده، روی خود را برنگردانید و چشم‌پوشی نکنید. الان وقتی است که باید واکنش نشان دهید و قبل از این که مشکل بزرگتر شود، کاری بکنید. سنین بین ۱۳ تا ۱۸ سالگی زمانی است که درگیر شدن والدین در مسائل فرزندشان ضروری است. شما باید مانند نیروی واکنش سریع بدون فوت‌و‌ت‌وارد کارزار شوید.

لازم است شما همیشه مراقب تغییرات رفتار، ظاهر، دوستان و عملکرد تحصیلی نوجوانان باشید. به یاد داشته باشید که تنها مواد غیرقانونی مورد سوءمصرف قرار نمی‌گیرند، حتی بعضی از داروهای که پزشکان برای بیماران تجویز می‌کنند ممکن است مورد سوءمصرف نوجوانان قرار گیرند. فرصت‌های ضدسرفه و حتی بعضی چسب‌ها و... می‌توانند اعتیاد آور باشند.

اگر شما جعبه قرص خالی را در سطل زباله اتاق فرزندتان پیدا کردید یا اگر سیگار، کاغذ پیچیده شده و کبریت و قرص‌های بی‌نامی را در جیب کتبی او دیدید، لازم است بیشتر مراقب او باشید. آمار داروهای توی قفسه را داشته باشید و در صورت امکان با یک متخصص در این زمینه مشورت کنید. پادان باشد اینها علایمی جدی هستند و نباید سراسری از آنها گذشت.

گام‌اشتباه پنجم:

هر کسی را در قیصر خودش می‌گذارند بعضی از والدین ممکن است با احساس این که تسلطی بر نوجوانشان ندارند، هربار که از مسیر درست منحرف شود، او را سرکوب کنند. گروه دیگر برای این که از مقابله با فرزندان و دختری و رودررویی او پیشگیری کنند، هیچ ایرادی از کارهای نوجوانشان نمی‌گیرند. اما هیچ کدام از این دو روش صحیح نیستند، بلکه لازم است بین آزاداندان و فرزندباز پیروی او را شما تعادلی وجود داشته‌باشد. هر کسی را در قیصر خودش می‌گذارند و دلیل نادره که فرزند شما تقاضا اشتباهات محاسباتی شما را بدهد. اگر بیش از حد بر پیروی او تأکید کنید، ممکن است موفق شوید او را مجبور کنید مطابق میل شما رفتار کند اما به چه قیمت؟ فرزند شما در یک محیط بسته بزرگ می‌شود بدون این که مهارت‌های حل مسأله و ارتباط اجتماعی را یاد گرفته باشد. علتنش هم این است که همیشه شما به جای او تصمیم گرفته‌اید. نداشتن قانون جدی و انضباط محکم هم دردی را دوا نمی‌کند. نوجوانان نیاز دارند در محدوده‌ای که برای کشف دنیای بیرون و ارتباطات اجتماعی شان دارند، بتوانند آزاده حرکت کنند و البته برای این منظور لازم است قوانین و خطوط واضح و روشنی برای آنها مشخص شده‌باشند.

شما به‌عنوان والدین وظیفه دارید در این سن ارزش‌های خانوادگی و دینی خود را با کلمات و رفتار خود به نوجوانان بگویید. اگر دروغ رانمی‌پسندید و نمی‌خواهید از نوجوانان دروغ بشنوید نه‌تنها این را به او بگویید بلکه با رفتار خود و اسنگویی تان نشان دهید که این عمل از نظر شما ناپسند است.

به فرزندتان کمک کنید تا بتواند مهارت‌هایی برای کنترل و مدیریت خودش را به نحو مناسبی یاد بگیرد. به یاد داشته باشید که هنوز تأثیر و نفوذ شما بر فرزندان عمیق‌تر از آن چیزی است که فکر می‌کنید. اغلب نوجوانان اعتراف می‌کنند که مایلند وقت بیشتری را با والدین و خانواده خود بگذرانند. بنابراین سعی کنید با فرزندان اوقات خوشی داشته باشید و محیط دوست‌داشتنی برایش فراهم کنید که همیشه برای بازگشت او آماده است. زمینی گرم و محکم که حتی پس از زمین خوردنش هم بتواند به آن تکیه کند و روی پاهای خودش بایستد.

گام‌اشتباه اول: انتظارات منفی داشتن

برخی پدر و مادرها به بزرگسندن فرزندان به چشم یک مصیبت نگاه می‌کنند، با این باور که تنها می‌توانند بدون هیچ کمکی تبدیل کودک دل‌نشان به یک غول غیرقابل پیش‌بینی را تماشا کنند. اما این روش باعث می‌شود که شما و نوجوانتان سال‌های بدی را بدون رضایت از هم در کنار هم بگذرانید. پیغامی که ما به نوجوانمان می‌دهیم این است که او تنها زمانی خوب است که کارهای بد نکند. مثلاً لباس‌ها و موهای خود را همان‌گونه که ما می‌پسندیم بپاراید و تنها با دوستانی که ما می‌شناسیم و تأیید می‌کنیم ارتباط داشته باشد و همیشه در حال درس خواندن یا ورزش باشد. زیرا می‌ترسیم از دوستانش قرص و سیگار بگیرد و معتاد شود.

متخصصان می‌گویند انتظارات منفی شما می‌تواند او را به همان رفتاری که از آن می‌ترسید، سوق دهد. تحقیقات نشان داده نوجوانانی که والدینشان از درگیر شدن آنها در رفتار پرخطر وحشت داشته‌اند، تا یکسال بعد از بررسی، بیشتر از بقیه درگیر همان رفتار پرخطر شده بودند. بنابراین به‌جای این که مدام فرزندان را از کارهای بد ترسانید، بر علائق و سرگرمی‌های مورد علاقه‌اش تأکید کنید. حتی اگر آنها رادار کنمی‌کنند.

لازم است شما راه تازه‌ای برای ارتباط با نوجوانتان پیدا کنید و دوباره با دل‌نشان مرتبط شوید و چیزهای تازه‌ای از او یاد بگیرید. اگر او عاشق رایانه و تلفن همراه است و دوست دارد با آنها نور بداند او همراه شوید تا هم شما از او چیزهای تازه در این باره یاد بگیرید و هم بتوانید ارتباطات او با دیگران را از این طریق نظارت کنید. اگر او به فوتبال یا ورزش دیگری علاقه دارد، می‌توانید در این ورزش‌ها با او همراه شوید، حتی اگر شما تماشای یک مسابقه یا یک بازی فوتبال را در جیب کتبی او دیدید، لازم است بیشتر مراقب او باشید. آمار داروهای توی قفسه را داشته باشید و در صورت امکان با یک متخصص در این زمینه مشورت کنید. پادان باشد اینها علایمی جدی هستند و نباید سراسری از آنها گذشت.

گام‌اشتباه دوم: تعامل با فرزندان

بخشنامه‌ای نمی‌شود

علاوه بر اعتماد به غرایز خود بسیاری از والدین با متخصصان درباره پرورش فرزندانشان مشورت می‌کنند. عده‌ای هم از کتاب‌های روانشناسی و تربیت کودک کمک می‌گیرند. البته اغلب کتاب‌های تربیت کودک هم مفید هستند اما کتاب‌ها وقتی مشکل‌ساز می‌شوند که والدین از آنها استفاده می‌کنند تا مهارت‌های ذاتی اجتماعی پسران سبک‌بند است. بدین صورت این جملات و واژگان است بلکه وابسته به نحوه استفاده صحیح از آنهاست. پسران باید بدانند که در چه مواقعی از چه جمله‌ای استفاده کنند و در چه مواقعی ساکت باشند. یک رئیس موفق با بکارگیری گفتار مناسب، رقبا را سرکوب می‌کند و با ضرب‌بشست نشان دادن به گروه حفظ موقعیت می‌کند و گه‌گاهی با تذکر موقعیت پست آنها، یادآوری می‌کند که رئیس کیست. او از عتاب و خطاب بی‌بوهه دوری می‌جوید و به این ترتیب احترام پسرانی را هم که قدرت او را ندارند، جلب می‌کند.

۲- جلب و حفظ گروه با استفاده از واژگان صحیح در گفتار

دومین جنبه جامعه‌شناسی زبان در تعامل دوستانه بین پسران، استفاده از واژگان برای حفظ و نگهداری و جلب همگروهان است. قصه‌سرایی، لطیفه‌گویی و دیگر عملیات گفتاری، جنبه‌هایی عادی در تعامل اجتماعی پسران است. قصه‌سرایی یا تعریف یک داستان برای پرزحمت چسون او باید در تمام مراحل قصه‌گویی، تحمل و کنترل اتفاقاتی را که دوروبرش می‌افتد، داشته باشد. این اتفاقات شامل مسخره‌بازی‌های بچه‌های دیگر، ادا و اصول در آوردن آنها، و سوالات جورواجور است که همراه با

به‌مضحکه کشاندن وضع است. در این شرایط باید قبول کرد که به نتیجه رساندن داستان کاری است بسیار دشوار، چون راوی داستان باید بداند چگونه از پس این همه مزاحمت‌ها برآید و در ضمن شنوندگان خود را نیز از دست ندهد و حرف خود را نیز به انجام برساند. تعریف لطیفه نیز بسیار مشکل است چون ممکن است کسی نخندد یا لطیفه را آن‌طور که باید و شاید تحویل نگیرد ولی گوینده لطیفه باید یاد بگیرد که در خلال صحبت خود، حال و هوای شنوندگان را نیز از زبانی کند تا بر اساس آن لطیفه را به انجام رساند.

۳- تأکید بر موجودیت خود هنگامی که دیگران میدان‌دار گروه هستند

پسرها در تعاملات خود با دیگر پسران یاد می‌گیرند که چگونه به‌عنوان شنوندگان داستان یا لطیفه عمل کنند. پسرها چه به‌عنوان شنوندگان و چه به‌عنوان راوی داستان باید یاد بگیرند تا بر عقاید خود پافشاری کنند و مهر تأکید بر گفته‌های خود بگذارند. به نظر می‌رسد که عکس‌العمل پسرها به داستان‌های دیگران تاوأم با چالش و اظهارات گوناگون است. این عکس‌العمل برای قطع سخن طرف گفت‌وگو یا عرض کردن موضوع گفت‌وگو نیست، بلکه برای تأکید خود در جمع حضار و برجسته کردن موقعیت خویش در جمع است.

منبع: سایت باسگاه‌اندیشه، به نقل از کتاب مردم‌شناسی جنسیت نوشته امیلیا رسیسیانس، انتشارات افکار

داستان‌های اینستاگرامی شما

تسبیح

امیر رضا سلطان کتابی

دست‌روشن کردم... در سوسوی ماه معوم و ابر گرفته، سایه‌ای از کسبی را دیدم که سیگار می‌کشید ولی نمی‌خواست، غم می‌خورد ولی نمی‌خواست، بطری در دست داشت اما نمی‌خواست و کندی که کماکان به‌مشامه می‌رسید. تسبیح! اگر جاذبه معنی دیگری داشت من خلافتش را ثابت کردم، چندبار با کفش روی ماه زدم و ابرها را جابه‌جا کردم تا این که حلقه‌هایی تشکیل شد، در حلقه اول خودم را دیدم، در حلقه دوم خود خودم را، و باز بطری آب را سر کشیدم تا بیشتر ماه را ببینم، آن‌گونه به یاد دارم که این‌جا سال‌ها پیش حیات طور دیگری بود، می‌دانم فردا هم باران می‌بارد تا یاز آب بر سطر جمع شود و من با ماه‌بازی کنم یا خیر...